

پُر خرج ترین عروسی قجری؟!

۲۷ خرداد ۱۳۹۴ ساعت ۱۷:۵۹

یکی از ویژگی های منحصر به فرد عصر قاجار و به ویژه دوران حکومت ناصرالدین شاه، بر پاییی ضیافت های پر خرج و باشکوه بود، چنانکه در این زمینه می توان به ازدواج دختر وی با پسر معیرالممالک اشاره کرد

خانم کارلاسرنا درباره عروسی افسانه ای عصمت الدوله - دختر نه ساله بسیار محبوب ناصرالدین شاه - چنین می نویسد: این شاهزاده خانم که عصمت الدوله نامیده می شود با پسر دوستعلی خان معیر الممالک - که در آن زمان، شغل خزانه داری را بر عهده داشت و یکی از مردان محترم کشور و صاحب فضایل زیاد بود - ازدواج کرد. پدر داماد چون شخصیت بسیار متمول و سخت دست و دلبازی بود، خواست افسانه جلال و شکوه مراسم ازدواج پسرش با دختر محبوب شاه را زبانزد همگان سازد و تمامی هزینه جشن عروسی را هم از جیب پر فتوت خود پرداخت.

می گویند در تهران، جشن های بسیار مفصلی به این مناسبت برگزار شد. خاطره ای که از آن مراسم در یادها مانده، هنوز هم زنده و افسانه مانند است. داستان هایی که از آن مجالس تعریف می کنند، نشان می دهد که زرق و برق آن عروسی، چقدر همه را تحت تاثیر قرار داده بوده است؛ تا آنجا که این عروسی برای ایرانیان، مبدا و ماده تاریخ محسوب می شود.

کرلاسرنا در باب مراسم خواستگاری این وصلت گزارش می دهد: در آن هنگام که دوستعلی خان از دختر شاه برای پسرش آقامیر خواستگاری می کند، متعاقب آن یک پیشکش ناقابل دو میلیون قرانی نیز به حضور شاه تقدیم می دارد. درخواست خواستگاری، بدون درنگ مورد موافقت قرار می گیرد. چون ناصرالدین شاه میان درباریان خویش، صدیق تر و فداکارتر از دوستعلی خان، خدمتگزار دیگر نداشت که هم دارای ثروت بی پایان و هم از شخصیت قابل احترام و ارزنده ای برخوردار باشد. این خزانه دار دولت، میلیون ها پول را با پارو از این سو بدان سو حرکت می داد و جا به جا می کرد. او به پول، سخت علاقه داشته ولی نه برای جمع و ذخیره کردن، بلکه برای زندگی بهتر کردن. به این جهت، دستگاهش از هر لحاظ، شاهانه و مجلل بود، قصر باشکوه و خانه بیلاقی زیبایی یکی از بهترین بناهای کشور است. از دیدگاه ناصرالدین شاه - که مفتون شخصیت و جاه و جلال معیرالممالک بود - او شاخص ترین پدر دامادها به شمار می رفت. اما داماد هم باید گفت که نشان از پدر داشت و سعی می کرد پا جای پای او بگذارد. در آغاز نوجوانی، آقا امیر، هوش و ذکاوتی که از خود نشان داده بود، آینده درخشانی را نوید می داد. به این جهت، می توان گفت که عروس و داماد، زوج بسیار جور و هردو درخور هم بودند.

کارلاسرنا درباره ی افراد شرکت کننده در این مراسم عروسی بیان می کند: موقعی که موضوع این ازدواج، قطعی شد، برنامه و تشریفات جشن عروسی - که در ایران بسیار مورد توجه است - مطرح گردید. معیر الممالک برای نامزد فرزندش عالی ترین هدیه ها را فرستاد. فرستادن تحف و هدایا، آغاز جشن های عروسی بود که معمولا مدت ده روز ادامه پیدا می کرد.

همه مردم تهران در این جشن های پرشکوه شرکت نمودند و نه تنها اشراف و ثروتمندان تهران برای حضور در آنها دعوت شده بودند، بلکه آدم های ندار و حتی سربازان ساخلوی تهران نیز در ضیافت های عمومی که در محلات مختلف بر پا شده بود، به ترتیبی شرکت داشتند.

وی همچنین درباره جهیزیه و مهریه ای ن عروسی باشکوه می نویسد: جهیزیه بدون کم و کاست و بسیار مجللی در پشت شترها و قاطرها به خانه ای که برای عروس ترتیب داده شده بود، حمل گردید. نقل و انتقالات این اسباب و اثاث، ده روز طول کشید. روز دهم روی سینی های بزرگ نقره ای، جواهرات عروس را به همراه پنج میلیون سکه طلای ضرب شده - که مهریه وی را تشکیل می دادند - به خانه جدید می بردند.

کرلاسرنا همچنین درباره ی مرکب عروس برای رفتن به به خانه بخت می نگارد: بالاخره شب، بعد از غروب آفتاب، فیل سفیدی که هودج زیبایی بر پشت آن گذاشته بودند، برای بردن عروس به اتاق حجله، در مقابل در قصر توقف کرد. ناصرالدین شاه که می ترسید فیل، چموشی کند، از دوستعلی خان خواست وی نیز کنار دست فیلبان بنشیند. تعداد کثیری به عنوان همراهان عروس به راه افتادند. تمامی بزرگان پایتخت علاقه داشتند که دختر شاه را تا خانه بخت بدرقه کنند.

مسافت بین قصر تا خانه داماد، همه جا چراغانی شده بود. سربازان ساخلوی شهر، همه مسلح بودند. هر سربازی در لوله تفنگ خود، شمع روشن حمل می کرد. دیوارهای شهر با پارچه های گرانبه و شال های کشمیری تزئین شده بود و از قصر تا خانه داماد، زیر پای عروس، قالی های گرانبه گسترده بودند.

چراغانی بازار، افسانه ای بود. دوستعلی خان، پیشاپیش، هزاران شمع به آنجا فرستاده بود تا سر تا سر بازار را غرق در نور کنند. هرگز مردم به یاد ندارند که اینچنین روز زیبا و اینقدر دیدنی های خیره کننده در تهران دیده باشند.

منابع:

۳- کارلاسرنا، (۱۳۶۲)، سفرنامه مادام کرلاسرنا، ترجمه علی اصغر سعیدی، تهران: زوار.

۴- مهرآبادی، میترا، (۱۳۷۹)، زن ایرانی به روایت سفرنامه نویسان فرنگی، تهران: آفرینش.

